

عرض سلام دارم خدمت همه عزیزان. هیأتی‌های گرامی، ما هم یک مقداری راستی‌اش دیر شروع کردم من باید ساعت ده و نیم یک جایی باشم. لذا عذر می‌خواهم که.. البته من سر موقع آمده بودم. دیگر سریع‌تر این مطالبی که می‌خواهیم خدمت‌تان عرض بکنیم، خدمت‌تان عرض می‌کنیم.

این قدری را حتماً رفقا آشنا هستند و عزیزان آشنا هستند که دو تا جنگ جدی یهود در قرآن نشان می‌دهد که شروع می‌کنند با جامعه اسلامی. در سوره مبارکه بقره که اول حکومت اسلامی پیغمبر است این دو تا جنگ جدی انجام می‌شود، یکی جنگ توی حوزه اقتصادی است که آیات «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱۸۸) به سیاق آن آیات اگر مراجعه بکنید آن جا نشان می‌دهد که این «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...» در ارتباط با حکام است. این آیه‌ای که بنده از بقره خواندم. یک نظام اقتصادی است که بر اساس آن نظام اقتصادی اکل مال به باطل می‌شود، حالا فعلاً به این کاری نداریم، خیلی بحث جدی است، توی بانک اتفاقاً همین اتفاق می‌افتد. اکل مال می‌شود در مقابل هیچ، در حقیقت نظام بانکی خلق پول است. یک جریان جدی این مدلی شروع می‌کند به عنوان جنگ با نظام اسلامی، جنگ اقتصادی. یک جنگ جدی هم که شروع می‌کند شاید این دو محور جنگ دارد یکی‌اش توی حوزه اقتصادی است، یکی‌اش توی حوزه فرهنگی است. جنگ اصلی‌اش با خانواده است که باز همان آیات سوره مبارکه بقره را نگاه بکنید، آن جا این نکته می‌آید که خلاصه آن کتاب الله را می‌گذارند پشت گوش‌شان «وَأَتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ...» (۱۰۲) آن آیات آن جا را که نگاه بکنید می‌رسد به این که «...وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ...» کتاب الله را می‌گذارند کنار می‌روند سراغ یک چیزی که تعلم آن‌ها هم توی حوزه این است بین زن و مرد را یک اختلافی بیندازند. یعنی این هم به عبارتی به عنوان یک جنگ خانوادگی که نظام خانواده را از بین ببرند. عیناً توی ایران همین اتفاق می‌افتد، این آمارهایی که دم در دیدید و خیلی از آمارهای دیگری که ندیدید و خیلی از اسنادی که توی این حوزه احتمالاً

شما مطالعه نکردید به دلیل این که محل کارتان نبوده، بحث‌تان نبوده، به دلیل این که ما حالا توی بنیاد ملی خانواده این‌ها را مجبور هستیم، این اسناد را بخوانیم. اسنادی که واقعاً توطئه است، یعنی شما فرض بفرمایید حالا این‌ها را توی جمع‌های دیگر هم خیلی نمی‌شود گفت. مثلاً سند دارد برای این که تحدید نسل انجام بشود باید توسعه آموزش عالی بشود برای بانوان. یعنی سند توسعه آموزش عالی برای بانوان یکی‌اش بحث تحدید نسل است، اصلاً برای تحدید نسل، توسعه آموزش عالی کرده‌اند. و خیلی از چیزهایی که واقعاً آدم نگاه می‌کند می‌بیند این سرعت این کار که هنوز هم ادامه دارد بالاخره شاید بنده را بشناسید یک آدم جهادی، این طرف و آن طرف توی روستاها می‌پلکیم. هنوز آن کسانی که توی روستاها هستند، خانه بهداشت، فلان همه این‌ها هنوز کاملاً بحث جلوگیری و تشویق به فرزند نیآوری و همه این‌ها سر جای خودش توی روستاها هست و کماکان آن سیر ادامه دارد. حالا فعلاً به حسب ظاهر این جور به نظر می‌آید که یک مقداری جلوی آن گرفته شده مثلاً ولی این جور نیست، جلوی آن هم گرفته نشده، خیلی شیک و مجلسی دارد کار ادامه پیدا می‌کند. و علی‌رغم فریادهای آقا به دلیل این که مسائل فرهنگی این قدر هم سریع الانتقال نیست از یک فرهنگ به یک فرهنگ دیگر، هیچ اتفاق خاصی در حوزه فرزندآوری نیافتید توی این حوزه بحث‌های خانواده توی این حوزه هیچ اتفاق خاصی نیفتاده توی این مدت و ما ۱۸ سال است که زیر نرخ جایگزینی قرار گرفتیم، یعنی نرخ جایگزینی که ۲/۱ است، ما ۱۸ سال است الان زیر آن نرخ هستیم. یعنی هی داریم تعداد نفراتی که تولید می‌کنیم الان ۱/۸ هستیم تقریباً. حالا به هر جهت یک ضربه سهمگینی به بحث خانواده و فرزند و فرزندآوری می‌خورد و از آن طرف هم که خب طلاق با یک شیب نسبتاً قابل توجهی دارد در کشور ما بالا می‌رود. به هر جهت دشمن سر دشمنی خودش، سر مسأله خانواده خیلی جدی است و نفرات و نفوذی‌های جدی‌ای هم دارد، نفوذ هم ببینید عزیزان به این معنا نیست، معنی نفوذ این نیست که یک نفر دارد حقوق‌بگیر است از یک عده‌ای، نخیر. بین همین الان قاعده‌هایی دارد در مجلس می‌رود و تصویب می‌شود و از زیر دست حتی قوه قضاییه و این‌ها در می‌آید توسط همین کسانی که علوم رسمی غربی فلان و این‌ها را خواندند و آمدند توی ایران و همه این‌ها. این‌ها بر اساس همین علوم که یاد گرفته‌اند با همان ادبیاتی هم که از آن جا یاد گرفته‌اند همین ادبیات را دارند ترجمه می‌کنند برای ما به عبارتی این جریان نفوذ است نه این که فکر بکنید جریان نفوذ یعنی این که برویم مثلاً یک نفری را گیر بیاوریم ببینیم این پول

می‌گیرد، پول نمی‌گیرد مثلاً یک ارتباطات مخفیانه دارد، یا ارتباطات مخفیانه ندارد. همین الان قانون منع خشونت علیه زنان دارد می‌رود توی مجلس و برود مراحل تصویب آن را طی بکند، و خب شما الان می‌گویید خب منع خشونت علیه زنان خوب است دیگر، یک قانون ببرند منع خشونت علیه زنان. توی آن جا کوییدن درب منع خشونت علیه زنان است، یعنی خشونت علیه زنان محسوب می‌شود.

قانون‌هایی دارد می‌رود توی مجلس الان تصویب می‌شود که بحث دخالت‌های حاکمیتی و دخالت‌های مثلاً فرض کنید یک مردی با زنش مشکل پیدا کرد، فرض کنید داد زد، یا مثلاً حتی زد، و این خودش نمی‌رود شکایت بکند. مثلاً می‌رود سراغ یک پزشکی، پزشک وقتی نگاه می‌کند می‌بیند مثلاً یک ضربی هم این اتفاق افتاده، پزشک خودش می‌تواند مستقلاً برود شکایت کند علیه مرد، پزشک می‌تواند این کار را بکند و این قوانین دارد می‌رود توی مجلس. و خلاصه بی‌سر و صدا همه این‌ها دارد تصویب می‌شود و پس فردا می‌بینیم که داریم روز به روز شبیه همین غربی‌هایی می‌شویم که بالاخره حالا ما دیگر این قدر اروپا رفتیم و این طرف و آن طرف رفتیم و از این طرف تا آمریکا.. هر جا بوده سرک کشیدیم، بالاخره. توی این یک مورد خدمت‌تان عرض بکنم که هیچ قابل دفاع نیستند غربی‌ها و زندگی‌های‌شان، یعنی کسی اگر توی مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، مثلاً نظم اجتماعی و این‌ها می‌خواهد این‌ها را الگو قرار بدهد، توی این یک مطلب اصلاً الگوپذیر نیستند، خودشان مثل خر توی گل ماندند نسبت به بحث خانواده و بحث فرزند و بحث ارتباطات و بحث طلاق و بحث این‌ها.. این‌ها آمارهای خودشان وحشتناک است اگر ما داریم می‌گوییم مثلاً ما آمار شیعه‌مان دارد می‌رود بالا. مثلاً داریم می‌رسیم به ۱۲، ۱۳ درصد این‌ها توی مثلاً شصت، هفتادم هستیم. خیلی از این کشورها از ما جلوتر هستند توی این مسائل. خب پس این که یک توطئه جدی علیه ما در حال شکل‌گیری و شکل داده‌اند، و این‌ها، این سر جای خودش محفوظ است. من یک چند نکته کلیدی عرض می‌کنم، با این مقدمه بنده شخصاً توی تمام این تجربیات و مشاخره‌ها و فلانی که حالا نزدیک به سی است دیگر مشاوره داریم می‌دهیم توی حوزه بحث‌های ازدواج و این‌ها. شما اگر یک نفر را مواجه بکنید با کثیری از پارامترها، یعنی شما بگویید که آقا برای بچه‌داری ۵۰۰ پارامتر، برای همسر داری ۲۰۰ تا پارامتر، این‌ها باید حواست باشد، همه نکات ریز، دقیق، این جا باید با همسرت این جور برخورد کنی، با فرزندت آن جور، فرزندت این سن باشد باید این جور، آن سن باشد آن جور، با یک نظام

پیچیده‌ای از توصیه‌ها اگر آدم‌ها را مواجه بکنید، نه خودتان این‌ها را می‌توانید انحفاظ بکنید، نه مخاطب‌تان می‌تواند این‌ها را انحفاظ بکند. و جزء اضطراب‌زایی چیزی ندارد. یعنی جمعیت مقابل‌تان را به یک اضطراب می‌اندازید که انگار مثلاً کسی می‌خواهد بچه‌داری بکند یا می‌خواهد همسرداری بکند، خیلی آموزش لازم دارد یعنی اصلاً بیا و ببین، مثلاً باید کلاس‌ها برود، مدت‌ها چیز بکند اگر می‌خواهد یک بچه سالم تربیت بکند، باید مدت‌ها کلاس برود، به نکات.. آهان بچه‌ات بد شد به خاطر این که آن‌جا که این کار را کرد، تو هم گوشش را گرفتی، گوشش را باید ۶۰ درجه می‌پیچاندی تو ۶۵ درجه پیچاندی و بچه‌ات معتاد شد مثلاً. بعضی‌ها هم دکان باز کردند توی این قضایا، چه بدانند، چه ندانند. واقعاً توی این مسائل ما دکان‌دار هم کم نداریم، از کسانی که می‌دانند یا نمی‌دانند که دکان‌داری دارند می‌کنند. برداشتند هزار جور توصیه‌هایی برای بچه، هزار جور توصیه برای همسرداری. هزار جور توصیه برای خواستگاری، هزار جور توصیه برای.. خب اصلاً کی بشریت این قدر احتیاج بر این.. خلاصه یک زن می‌خواهد طرف بگیرد. آقا این قدر که دیگر.. این قدر حجم توصیه، یعنی واقعاً این مقدار ما خودمان داشته نداریم نسبت به این، پدران ما، ما را چه جوری بزرگ می‌کردند. الان خیلی‌ها که بچه بزرگ می‌کنند مگر این همه دانش بچه بزرگ کردن دارند، یا دانش‌های این مدلی دارند که آمار این همه بلد هستند، این قدر به اضطراب نیندازید آدم‌ها را و خودتان را. چندین مسأله کلیدی توی این زمینه وجود دارد، توی زمینه‌های مختلف که الان دیگر فرصت ما خیلی نیست، عذر می‌خواهم ما یک مقدار دیر شروع کردیم. چندین مسأله کلیدی وجود دارد که من این مسائل کلیدی را خدمت‌تان حالا چند تایش را لااقل می‌خواهم عرض بکنم. یکی از نکات بسیار مهم چه در زمینه همسر گیر آوردن و چه در زمینه همسرداری و بچه‌داری و همه این‌ها، یکی از نکات کلیدی‌اش این است که خود انسان طیب و پاک زندگی کند. بگذارید من این نکته را از روی قرآن بگویم، یک بحثی آقایان علما و مفسرین ذیل این آیه «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور/۳) یا ذیل «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ..» (نور/۲۶) ذیل این، این بحث را مطرح کردند که این فارغ از بحث‌های تشریحی‌اش یک بحث تکوینی هم هست. یعنی چه؟ یعنی آقا شما می‌خواهی زن خوب گیر بیاوری، زن پاک گیر بیاوری، پاک زندگی کن. خودت پاک زندگی کن، چون که یک قاعده‌ای در عالم وجود دارد، قاعده جذب عمومی عالم که اگر کسی پاک زندگی

بکند، خیلی احتمال این هست که پاک گیرش بیاید. به عبارتی این جور عرض بکنم خیلی ربطی ندارد که شما فکر بکنید شما دارید همسران را انتخاب می‌کنید، خیلی شما همسران را انتخاب نمی‌کنید شما بیشتر چگونه زیستن خودتان را انتخاب می‌کنید، وقتی که یک جور خاصی زندگی بکنید در یک حریم خاصی قرار می‌گیرید، از آدم‌های مختلف، این سبک زندگی‌تان را که عوض بکنید خدای نکرده خبیث بخواهیم زندگی بکنیم، می‌بینید به صورت خاصی داریم حول یک سری آدم‌های دیگر جمع می‌شویم، با یک سری دیگر آدم‌ها بر می‌خوریم. این قاعده است. در این حد این قاعده است که گفته‌اند اگر کسی بلند شد آمد تو، دید جا خالی است، رفت رفت توی یک صندلی نشست کنار یک نفر نشست بدانید این شبیه آن است. شبیه آن که کنارش نشسته، این قدر این‌ها قلوب به هم‌دیگر تآلف دارند و هم‌دیگر را جذب می‌کنند و خلاصه دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید. و از آن طرف هم آدم‌های شبیه به هم‌دیگر این قدری در روایات هست که «من غیر خیر سبق منه علیکم» بدون حسن سابقه یک نفر را می‌بینی خوشت می‌آید. بدان که این شبیه توست. «من غیر سوء سبق منه علیکم» بدت می‌آید بدان شبیه هم‌دیگر نیستید شما. یعنی این مقدار مهم است، پاک زندگی کردن خود شخص، در حریم و حیطه‌ای قرار می‌گیرد به واسطه پاک بودنش که کسانی که با او مرتبط می‌شوند، این‌ها آدم‌های پاکی می‌شوند. می‌گویید استثنا دارد یا نه؟ بله همه قواعد اجتماعی استثنا دارد، این استثناها مغل به قواعد اجتماعی نیست، استثنائات مغل به قواعد ریاضی است. مغل به قواعد اجتماعی نیست، استثنائات. اگر چند تا استثنا.. مثل این که به شما بگویند ورزش موجب سلامتی است، ورزش موجب طول عمر است، خب آره درست است دیگر، حالا یک نفر بگوید هیچ ورزشکاری زود نمی‌میرد، نه ممکن است کبدش مثلاً مریض بشود و بمیرد زود. این‌ها مغل به این جمله ورزش موجب طول عمر است، مغل به این جمله نیست، دقت کنید. می‌خواهیم فرزند تربیت کنیم، می‌خواهیم همسرمان خوبی باشد خودمان خوب باشیم، می‌خواهیم فرزندمان خوب باشد یکی از اقتضائات آن این است که خودمان پاک زندگی کنیم، خوب زندگی کنیم، پاک زندگی کنیم. خودمان زیرآبی نرویم، شما این را القاء بکنید به مخاطبان و آن این است که شما کافی است یک نفر سبک زندگی‌اش را عوض بکند. مثلاً اهل نماز و هیأت و این‌ها بشود، رفته رفته می‌بیند رفیق‌هایش عوض شدند، بدون این که خودش بخواهد. یعنی یک عده‌ای از او دور می‌شوند یک عده به او نزدیک می‌شوند. برعکس می‌بینی یک عده دارند از او دور می‌شوند، یک عده

دیگری نزدیک می‌شوند. این قاعده است. لذا این قاعده مهم مهم مهم را سر دست نگه دارید، آدم خوب زندگی کنند خودشان، خودشان طیب زندگی کنند. این نکته اول، نکته دوم که می‌خواهم عرض کنم خدمت‌تان فطری زندگی کردن است. طبیعی زندگی کردن است، طبیعی طبیعی. ببینید طبیعی زندگی کردن کسی می‌خواهد با طبیعت، با همین طبیعتی که دارد زندگی بکند ادا و اطوار زیادی از خودش در نیابد به یک صورت خاصی زندگی‌اش شکل می‌گیرد. شما ببینید چه جوری شکل می‌گیرد. مثلاً فرض بفرمایید به یک سن چه می‌دانم ۲۰ سالگی و این‌ها برسد رفته رفته احساس می‌کند باید برود و زن بگیرد. حالا الان شما ممکن است بگویید آقا اقتصادش چی، این چی، آن چی.. الان مشکل اقتصادی داریم، مشکل .. همه این‌ها را داریم ولی بعداً حیث بحث این نیست که من به شما آمار نشان بدهم. مهم‌ترین مشکل ما مشکل اقتصادی نیست برای زن گرفتن. این‌ها همه توی آمار درآمده، مهم‌ترین مشکل مان تغییری است که در مفهوم سعادت‌مندی اتفاق افتاده. این را من اگر وقت می‌شد با آمار توضیح می‌دادم. که تغییری در مفهوم سعادت‌مندی که اتفاق افتاده، سعادت‌مندی یک موقع این بود که طرف زن بگیرد بچه‌دار بشود، بعد سعادت زن چی بود؟ سعادت این بود که بچه‌دار می‌شود، خلاصه یک زندگی تشکیل می‌دهد و این‌ها. تغییرات در مفهوم سعادت‌مندی که با این جریان فمینیسم اتفاق افتاده به شدت توی ذهن‌ها این را قالب کرده، که آقا من می‌خواهم سعادت‌مند بشوم باید بروم درس بخوانم. باید دکترا بگیرم باید دستم توی جیب خودم باشد. حالا می‌خواهم دستم توی جیب خودم باشد، جریان ولایت را توی خانه به هم می‌زنم. چون که «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ..» (نساء/ ۳۴) زمینه این که کسی می‌تواند ولایت در خانه اعمال کند یکی‌اش به خاطر نفقه است. این خودش سعادت‌مندی تبدیل می‌شود به این که من بروم خلاصه دستم را باید توی جیبم باشد، یک شغلی داشته باشم، یک کاری داشته باشم، مدرکی بگیرم، فلان. همه این‌ها این اصلی است که دارد زندگی‌ها را به هم می‌زند. زندگی‌ها همین این مفهوم دارد به هم می‌زند. طبیعتش این جوری بود، طبیعتش این بود که وقتی که یک مردی زن می‌گرفت مرد از زن حمایت می‌کرد. مرد نفقه زن را می‌داد، نفقه بچه‌ها را می‌داد. مرد می‌رفت کار می‌کرد. زن چه کار می‌کرد؟ زن یک کار بزرگ می‌کرد، واحد انسانی را او تربیت می‌کرد، از این بزرگ‌تر می‌خواهی. یعنی جامعه که روی پای واحدهای انسانی بنا شده، آن را تولید می‌کرد و پرورش‌های ابتدایی که مهم‌ترین پرورش باشد این می‌داد. تغییراتی که توی ذهن ما

دادند، دادند دادند تبدیل شد به این که بچه حالا مزاحم سعادت مندی هست یا نیست؟ هست. یعنی شما اگر سعادت مندی این است که طرف دستش توی جیب خودش برود و رشد این جوری بکند و رشد اقتصادی فلان جوری بکند و این‌ها. خب معلوم است بچه مزاحم سعادت مندی است. می‌خواهم به شما بگویم علت العللی که توی همه این‌ها شما هر چه قدر هی این خانم‌ها را تشویق بکنید بچه‌دار شوید. شما تا این تغییر را در مفهوم سعادت مندی که موجش به شدت دارد توی کشور ما می‌آید اتفاقاً جالب است که موج اول، دومش دارد می‌آید توی کشور ما. موج‌های چهارم آن دارد می‌رود تو اروپا. الان شما توی اروپا اگر تشریف ببرید می‌بینید که خانم‌ها خودشان چون رسیدند به این گندی که خودشان زدند، یک مقدار رسیدند. می‌بینید که خانم‌ها کتیراً این را می‌بینید که سه چهار تا بچه دنبالش، راه افتاده بچه‌های شیر به شیر. قیمت مهدکودک را هم این قدر بردند بالا که طرف صرف نکند بچه‌اش را بگذارد مهدکودک. خودش بچه‌اش را نگه دارد. خب الان موج‌های چهارم رسیده به آن جا، نسخه‌های یک و دو آن رسیده به ما. که این تغییری که ایجاد کردیم که آقا سعادت.. به خصوص برای خانم‌ها من این جا شنیدم که خانم‌ها را هم وارد داستان این قضایا کردند خیلی الحق خوشحال شدم. چون که ما اصلاً مسأله دین را خیلی مردانه گرفتیم. در صورتی که اصل واحد تربیت دست خانم‌ها است. ما یک حوزه علمیه‌ای داریم، حوزه علمیه مشکات، مشکات خواهران در حقیقت یک دانه هم برای برادران داریم. آن واحد خواهران مان را این‌ها آمدند گفتند حاج آقا اتاق مادر و کودک می‌خواهد این جا. آقا شما می‌گویید مادر ما بشویم، درس هم بخوانیم، نسخه‌های آقا هم همین است. آقا از آن طرف از طلاب خواهر تا اجتهاد هم مثلاً می‌خواهند، از آن طرف هم فرزند می‌خواهند. خب این‌ها باید در کنار همدیگر بنشینند این حرف‌ها. گفتند این جا یک اتاق مادر و کودک می‌خواهد. گفتیم مادر و کودک دیگر چه صیغه‌ای است. گفتند یعنی این که دوربین کلاس را ضبط کند، آن طرف پخش کند، کامل با تصویر بعدش هم این جا وسایل بازی باشد ما هم زمان بتوانیم بچه‌ها را چیز بکنیم و وسایل تر و خشک کردن و این‌ها، این جوری می‌شود. گفتیم این جوری بکنیم می‌آید، گفتند آره. کردیم آمدند. گفتند آهان دست شما درد نکند. این شد مناسب حال.. این که شما می‌گویید هم درس بخواند هم این.. یعنی اتاق مادر و کودک. خیلی وقت‌ها هست طرف بلند می‌شود می‌رود هیأت، مرد جا می‌گذارد خانمش را توی بحث‌های معارف. آقا اگر این معارف قرار است انسان را زنده بکند، خب چه طور خودت را می‌خواهی زنده کنی خانمت

را نمی‌خواهی زنده کنی. خب چرا این باید جا بماند؟ چرا هیأت‌های ما حتماً این درد دل‌ها را گفتند، من خودم هیأتی برگزار نمی‌کنم اگر هیأت دارم. می‌گویم خانم‌ها کاملاً در شرایط مساوی با آقایان بتوانند... اگر می‌خواهند از هیأت استفاده بکنند بتوانند از هیأت استفاده بکنند. بتوانند از هیأت استفاده بکنند خب اگر این جور است که هیأت رفتن بچه را کلاس قرآن بردن، همه این‌ها خودت کلاس قرآن رفتن، همه این‌ها خوب است. خب این‌ها برای شرایط .. برای همسران، دختران، فلان همه این‌ها باید آماده باشد. آن طرفش هم می‌گویم فطری بودن همین، به صورت فطری فطری فطری، معلوم است مرد حمایت می‌کند از زن، همیشه مرد از زن حمایت می‌کند. مردها این کار را بکنند، همیشه مرد رئیس خانواده است. توی همه جای دنیا، مردها رئیس خانواده هستند. مرد باید رئیس خانواده بماند. این شایسته سالاری یک حرف بیخودی است. رئیس هم به معنای این نیست که یک چوب تر ایستاده، برداشته. قرآن اگر ورود کرد توی این مطلب و گفت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ..» این‌ها یک منظوری دارند. قرآن به عنوان سند جاودانه است. بله ما یک سری روایاتی داریم که ممکن است آن‌ها سند جاودانه نباشد، کما این که حضرت آقا وقتی داشتند این جملات را می‌گفتند آن بمب ترکید، دست‌شان این جور شد. که می‌خواستند بگویند آن نواقص العقول است. داشتیم همین را می‌گفتم. آن نواقص العقولی که دارند امیرالمؤمنین می‌گویند به عنوان یک قضیه خارجی است. یعنی خانم‌های زمان خودشان خب نواقص العقول بودند به عبارتی. نه این که زن کلاً ناقص العقل است، به این معنا. داشتند این مطلب را توضیح می‌دادند که آن بمب ترکید خلاصه. حالا می‌خواهم عرض بکنم که کاری به آن بحث ندارم، سر آن اگر شد یک بحث و مباحثه‌ای می‌کنیم. ولی این که قرآن گفته «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» این از آن مفاهیمی است که جریان ولایت و ریاست را در خانواده دارد زیر سؤال می‌برد امروزه. با همین تغییرات مفهوم سعادت‌مندی. به صورت طبیعی، طبیعی طبیعی زن‌ها بعد از این که ازدواج می‌کنند باید بچه‌دار بشوند. این طبیعت است. اصلاً خدا همین را گذاشته توی بدن زن‌ها، باید بچه‌دار بشوند. ما الان به شدت مواجه هستیم توی بحث آمار، توی ۵ سال اول وقتی که ازدواج.. وقتی که بچه‌دار نمی‌شوند در موضع طلاق قرار می‌گیرند. خب بروند بچه‌دار بشوند به صورت طبیعی. خب وقتی آدم‌ها ازدواج می‌کنند بچه‌دار می‌شوند، حالا یک موقع خدا بچه نمی‌دهد، آن یک بحث دیگر است. ولی وقتی که بچه‌دار می‌خواهند بشوند، خب باید بچه‌دار بشوند دیگر همین، به همین سادگی. خب این بچه‌های‌شان



را چه جوری بزرگ کنند؟ بچه‌های شان توی محیط طیب و طاهر خودشان. می‌خواهند چه آموزش بدهند؟ درست است شما الان این آموزش‌های ما دارد به این سو.. آقا این مسائل دینی را باید آموزش بدهند یا نه؟ امیرالمؤمنین به امام مجتبی می‌گویند «وَأَنْ ابْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ» من اولین چیزی که به تو یاد دادم کتاب الله یاد دادم. من به تو قرآن یاد دادم. غیر از قرآن هم لازم نداشتی اصلاً به تو یاد بدهم. قرآن ببینید دین یاد بچه‌ها دادن، این جزو ضرورات است، و ضروریات این است که یک نفر می‌خواهد تعلیم به بچه‌هایش بدهد باید دین یاد بدهد. خب پیغمبران آمدند همین چیزها را یاد بدهند. حالا بچگانه‌اش را می‌خواهد یاد بدهد چرا گفتند «مروا صبیانکم بالصلاة» بچه‌های تان یواش یواش هفت هشت ساله‌شان است به آن‌ها بگویید نماز را شروع بکنند، دست بچه را بگیرد ببرید مسجد، ببرید هیأت. با همین چیزهای ساده. بله امیرالمؤمنین می‌گویند من «لَا أُجَاوِزُ بِكَ ذَلِكَ إِلَيَّ غَيْرِهِ» من غیر قرآن لازم نداشتی به تو بدهم «ثُمَّ أَشْفَقْتُ» بعد ترسیدم. بعد ترسیدم از این که یک عده بیایند تو را با این اینستاگرام و نمی‌دانم این چیزها آشنایت بکنند. «عَلَى مَا كَرِهْتَ» با این که دوست نداشتم یک چیزهای دیگری هم مجبور شدم که یاد بدهم. با این که نمی‌پسندیدم یک چیزهایی به تو یاد بدهم یاد دادم. یعنی چه؟ خب تربیت است، طبیعی این است. آقا طرف فرزند زمان خودش باشد، این حرف طبیعی نیست. خب شما ولی پایه قرآنی طرف را ببند. به او قرآن آموزش بده، او را هیأت ببر، بیاور، محبت اهل بیت و این‌ها همین جاها ببرید، آقا این قدر پیچیده‌اش نکنید کار زار و زندگی را. خود حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و وجود نازنین امیرالمؤمنین و این خانواده‌ای که اهل البیت نورانی است که «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» (نور/۳۶) این نوری که «الله نور السموات و الارض» فلان و این‌ها، «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» این‌ها توی خانه‌هایی است. این نور توی این خانه‌هایی است که «أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» شما زندگی‌های این‌ها را نگاه بکنید غیر از این که گزارش‌ها چندان خیلی دقیق نیست از زندگی‌ها. ولی زندگی‌ها تیپ زندگی طبیعی است. تیپ زندگی یعنی شما زندگی‌های این‌ها را از بیرون که نگاه می‌کنید یک تیپ زندگی طبیعی، معنوی.. ما در روایت چی داریم؟ در روایت داریم که آقا شما همین عبارت «نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ» به تلاوت قرآن خانه‌های تان را نورانی بکنید. بعدش دارد می‌گوید یک کاری نکنید «كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى صَلَّوْا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ» این‌ها خانه‌های شان را تعطیل کردند، رفتند توی مساجد فقط نمازها و قرآن‌ها،... چیزهای شان را همه.. دعا‌های شان را همه را بردند توی مسجد.

خانه شد خوابگاه. خانه شد رستوران، الان خانه‌های ما غیر از خوابگاه و رستوران چیست؟ هیچی. خانه ما حداکثر یا خوابگاه است یا رستوران است. خب شما بیخشید تشویق بکنید، بلند شوند دو خط قرائت قرآن بکنند، ترتیل قرآن بکنند، یک صفحه ترتیل قرآن بکنند روزانه. با یک صدای نرم و آهسته‌ای توی خانه. می‌شود همین دین‌داری طبیعی. آقا شما توی خانه‌ات باید قرآن بخوانی. همه عبادت‌های‌تان را هم توی هیأت نبرید، همه عبادت‌های‌تان را هم توی مسجد نبرید، باید توی خانه به صورت طبیعی یک مؤمن به صورت طبیعی باز می‌کند، قرآن بخواند، چهار خط قرآن بخواند توی خانه. همین این‌ها را باید انجام بدهد. طبیعی طبیعی طبیعی زندگی کنید. فطری فطری فطری، چرا؟ بحث مفصل است که وقتی که خدا می‌خواهد بگوید آقا من دین هم اگر می‌خواهم به شما بگویم دین دقیقاً روی فطرت آدم‌ها بنا شده. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ..» (۳۰/روم) دین هم روی پایه‌های فطرت است. اگر آدم‌ها سعی بکنند فطری زندگی بکنند، طبیعی زندگی بکنند، با همین معارف ابتدایی که دست‌شان هم هست و همه می‌فهمند، همین‌ها را زندگی بکنند، قابلیت پیدا می‌کنند که هم همسر خوب داشته باشند، هم فرزند خوب داشته باشند. مشکلی هم نداشته باشند، علی القاعده، علی القاعده فرزند زمان خودشان هم باید بزرگ کنند، طبیعتاً باید فرزند زمان یک چهار تا بالاخره از این سواد رسانه‌ای و نمی‌دانم چی و اینستاگرام و نمی‌دانم شبکه‌های مجازی و فلان و این‌ها را باید طرف آشنا باشد. نباید.. این‌ها را شما مراعات بکنید همین توصیه‌های ساده را، از آن طرف توصیه‌های ساده‌اش به خانم‌ها است. خانم‌ها خودشان اهل صلح هستند. اگر توی خانم‌ها بودم یک چیز می‌گفتم این جا. خانم‌ها اهل صلح هستند، یعنی اگر قرار است کسی کوتاه بیاید خیلی وقت‌ها خانم‌ها باید کوتاه بیایند. خود قرآن هم همین را گفته این قدر دهن به دهن نگذارند. این همین اگر «و الصلح خیر» را در زمینه خانم‌ها می‌گوید. صلح اهل سازش هستند، این ملات.. به قول حضرت آقای جوادی حفظه الله ایشان می‌گفتند این خانه‌ها آجرهای سفت می‌خواهد و ملات نرم. آجرهای سفتش این مردها، و ملات‌های نرمش هم این خانم‌ها هستند. خانم‌ها باید اهل سازش باشند، اهل صلح و سازش و این‌ها. با همه این چیزها پیچیده بیشتر از این نکنیم.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین.

مداحی حاج آقا..

پایان.